

پیرا پیرا  
سلاسل  
الذہبی  
کتاب

پروفیسر انیس ریاضات فریدی  
پتالپور، لاہور

## مطالعه‌ای اسنادی پیرامون نقش زنان استان ایلام در فرایند انقلاب اسلامی ایران (۱۳۴۱-۱۳۵۷)

مرتضی اکبری<sup>۱</sup>

### چکیده

حضور زنان ایران در مسائل سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جامعه از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی شروع و به‌ویژه در دوره‌ی پهلوی (دوم) روند بیشتری یافت، به‌طوری‌که زنان را به بی‌حجابی و تقلید از فرهنگ غرب تشویق می‌کردند، ولی زنان مسلمان الگوی موفق ایران در مبارزات اسلامی علیه مدرنیته وارداتی و تقلیدی سلسله پهلوی، غالباً دوشادوش مردان در صحنه‌های مختلف، حاضر بوده‌اند. با وجود مبارزه‌ی انکارناپذیر آن‌ها تاکنون در مورد نقش آن‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی به‌صورت مدون و منسجم پژوهشی صورت نگرفته، ازاین‌رو پژوهش حاضر درصدد است با مطالعه‌ای اسنادی، نقش سیاسی و فرهنگی زنان استان ایلام در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی یافتن پاسخی برای این سؤال است که زنان الگو و انقلابی استان ایلام چگونه و از چه زمانی و با چه مختصات با رژیم پهلوی مبارزه کرده‌اند؟ فرضیه پژوهش بیان‌گر آن است که زنان مسلمان و انقلابی ایلام از سال ۱۳۴۱ به‌وسیله سخنرانی آیت‌الله مروارید، آیت‌الله حیدری، حجت‌الاسلام تعمیرکاری و روحانیون تبعیدی در ایلام، با اندیشه‌های انقلابی امام خمینی (ره) آشنا شده و تا پیروزی انقلاب اسلامی با رژیم پهلوی مبارزه داشته‌اند. با بهره‌گیری از ظرفیت‌های روشی و نظری

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی و تاریخ دانشگاه ایلام.



مکتب آنال و نظریه‌های فرهنگی انقلاب به دست آمد که حضور زنان مسلمان و الگوی استان ایلام در مجالس و عظم، شرکت در برنامه‌های مذهبی، پخش اعلامیه‌های امام خمینی (ره)، ایراد سخنرانی‌های فرهنگی و مذهبی، شرکت در تحصن‌ها و تظاهرات خیابانی نشان از رنگ برجسته فرهنگ مذهبی در مبارزات سیاسی آن‌ها بوده است.

واژه‌های کلیدی: زنان ایلام، انقلاب اسلامی، آنال، فرهنگ

## مقدمه و بیان مسئله

یکی از نارسایی‌ها و ضعف‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسان ایران تا قبل از دوره‌ی مشروطه عدم توجه به نقش مردم و اقشار جامعه در رویدادهای سیاسی-اجتماعی است. برای جبران این خلأ تاریخی، مورخان ایرانی از دوره‌ی مشروطه با نگاهی جدید بر آن شدند تا بیشتر به نقش مردم در رویدادها و تحولات تاریخی بپردازند. در عصر حاضر نیز به دلیل گستردگی تحولات تاریخی، محققان و مورخان بر آن شده‌اند تا رویدادها را با مطالعه موردی، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. حضور زنان در مسائل سیاسی-اجتماعی ایران از دوره‌ی ناصرالدین شاه که برای رفع مشکل نان دست به تظاهرات زدند، شروع شد، اما حضور آن‌ها در مسائل جامعه در عصر پهلوی بیشتر شد به طوری که در جریان مبارزه‌ی مردم ایران علیه رژیم پهلوی، زنان مسلمان الگو همراه با مردان در صحنه‌ی انقلاب نقش آفرینی کردند. انقلاب، پدیده‌ای اجتماعی و استثنایی در سیر تحول جوامع بشری است و پیچیدگی و چندلایه بودن در مفهوم و نیز در پیدایش، روند و فرجام در مصداق، از جمله ویژگی‌های این پدیده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران حاصل تلاش و کوشش دسته‌جمعی ملت ایران اعم از زنان مسلمان انقلابی و الگو و مردان به رهبری امام خمینی (ره) است. مردم استان ایلام همگام و همراه با سایر مناطق کشور، علیه استبداد نظام پهلوی قیام کردند و با راهپیمایی، تظاهرات و اعتصاب مخالفت خود را ابراز کردند. فرهنگ شهادت و روحیه‌ی شهادت‌طلبی زنان و مردان مسلمان ایران نقش مؤثری در جلب ارتش شاهنشاهی داشت و همین الگو بودن آن‌ها روند پیروزی انقلاب اسلامی را تسریع بخشید، بنابراین به منظور بررسی و تبیین نقش زنان مسلمان و الگوی انقلابی ایران در انقلاب اسلامی، ضرورت دارد پژوهشی منسجم و نظام‌مند انجام گیرد تا نقش آن‌ها در این زمینه که نزدیک به چهار دهه از آن می‌گذرد، فراموش نشود.

## هدف و پرسش‌های پژوهش

تا کنون در مورد زنان موفق و مسلمان و انقلابی ایران که در مبارزات علیه رژیم پهلوی پایه‌پای مردان فعالیت داشته‌اند، پژوهش‌های قابل‌اعتنای چندانی انجام نشده است، از این رو مقاله پیش‌رو با هدف تبیین نقش زنان مسلمان و الگوی موفق استان ایلام در پیروزی انقلاب اسلامی به بررسی این موضوع می‌پردازد و در صدد پاسخ به این پرسش است که زنان مسلمان و الگوی انقلابی ایلام چگونه و از چه موقع و با چه مختصاتی به مبارزه با رژیم پهلوی برخاستند؟

## روش‌شناسی پژوهش

این مقاله با کاربرست روش مرسوم در تحلیل‌های تاریخی، یعنی تحلیل تاریخی بر اساس منابع و مآخذ اسنادی (و در صورت لزوم گاه انجام مصاحبه) صورت گرفته و اساس آن مطالعه موردی نقش زنان مسلمان و انقلابی ایلام در پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. در عین حال از ظرفیت‌های روشی مکتب آنال نیز بهره گرفته خواهد شد که در چارچوب نظری بیان می‌گردد.

## چارچوب نظری

چارچوب نظری این نوشته بهره‌گیری از ظرفیت‌های روشی، نظری و تاریخی مکتب آنال و هم چارچوب معرفتی نظریه‌های فرهنگ محور در تحلیل انقلاب اسلامی ایران است.

## ۱- آنال

نشریه‌ی ادواری اقتصادی و اجتماعی آنال که مکتب آنال از آن نشأت گرفته است، در ۱۵ ژانویه‌ی سال ۱۹۲۹ دیدگاه مشترک خود را به جامعه‌ی فرهنگی فرانسه ارائه داد و در طی سالیان دراز در قرن بیستم در جهت تحقق آن‌ها تلاش کرد. واژه‌ی آنال (annals) از کلمه‌ی لاتین (Annus) به معنی «سال» گرفته شده و به معنای شرح وقایع سالانه بدون تحلیل و تفسیر است. بنیان‌گذاران این نشریه لوسین فور و مارک بلوخ بودند که نقش مؤثری در آینده‌ی تاریخ‌نگاری و روش‌شناسی تاریخی در فرانسه‌ی قرن بیستم ایفا کردند. با مرگ فیور در ۱۹۵۶ و نقش آفرینی فرناند برودل، مکتب آنال وارد مرحله جدید شد. در این مرحله آنال با چرخشی کمیت‌گرا و با پژوهشی در قلمرو پول و جمعیت، به تاریخ درازمدت بر اساس تحلیلی جدی از ساختارهای اجتماعی گرایش پیدا کرد. طی دهه‌ی پایانی قرن بیستم نسل سوم آنالی‌ها به عرصه آمدند. ژان سوگوف و یا امانوئل لوروآ لادوری از سرامدان این

نسل بودند که به رویکرد انسان‌گرایانه پرداختند، این نسل موضوعات تازه‌ای از قبیل تاریخ آب و هوا و طفولیت، جنون، مرگ و ... را وارد مطالعات تاریخی کردند (ر.ک: استویانوویچ، ۱۳۸۶؛ بهرامی ۱۳۸۶؛ فولادوند، ۱۳۶۵؛ بهادری، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۶).

ایده‌ی اصلی آنال این بود که تاریخ باید با یاری جستن از رشته‌های هم‌مرزش، شرایط را برای درک پذیرش هر چه بیشتر پدیده‌های اجتماعی پدید آورد. در حقیقت مورخان مکتب آنال از آغاز در پی روشی برای تحلیل جامعه و مناسبات اجتماعی آن بودند که ایمن از هر گونه وام‌گیری ایدئولوژیک و هر نوع تصور غایت‌گرا باشد، از این‌رو بود که دست به دامان علوم اجتماعی شده تا با یاری روش‌های مطالعه و موضوع‌های این علوم، تاریخ را به گونه‌ی دیگری بنمایانند. آنالی‌ها در فاصله‌ی سال‌های ۸۴-۱۹۷۵ کمترین اهتمام را به امور سیاسی داشتند. مورخان پیرو سبک آنال تحلیل مناسبات اجتماعی را در اولویت کار خود قرار دادند (بهادری، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۶). در مکتب آنال، هر چند مورخ تا حد یک محقق مشاهده‌گر جزء بین‌پایین می‌آید، اما در عین حال مورخ مشاهده‌گر خوبی است و می‌تواند از قیل جزء بین‌پایین و نزدیک‌بینی‌ها به شناختی جامع دست یابد. (بهادری، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۶).

همچنین در دامان این مکتب به سایر عوامل مانند ویژگی‌های جغرافیایی و مردم‌شناسی توجه می‌شود. رشد این تفکر موجب شده تا تاریخ‌نگاران کنونی به ریشه‌یابی و ارتباط سایر پدیده‌ها با یکدیگر توجه خاصی کنند و در نگارش آثار خود، به تأثیر جریان‌ساز عواملی چون اقتصاد و جامعه‌شناسی در بروز رویدادهای تاریخی توجه کنند. به‌طور کلی در دامان مکتب آنال تاریخ تحلیلی مسئله‌محور جانشین روایتگری سنتی از رویدادها می‌شود. تاریخ‌نویسی از تمام دامنه‌های فعالیت‌های بشر به جای یک تاریخ عمدتاً سیاسی بهره می‌گیرد. جهت‌دستیابی به دو هدف اول- تشریک مساعی با رشته‌های دیگر با جغرافی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی اجتماعی و غیره (حسینی، ۱۳۹۵: ۳-۲) ضرورت پیدا می‌کند که این همه مورد توجه ما نیز در این تحقیق است. از این‌رو در این مقاله، صرف گذاشتن حوادث تاریخی پشت سر هم ملاک کار نشده، بلکه در کنار توجه به جزئیات حوادث و اتفاقات، از ظرفیت‌های تبیینی سایر حوزه‌ها از جمله فرهنگ نیز بهره گرفته شده است. از طرف دیگر در زمینه مکتب آنال است که توجه تاریخ به انسان معطوف شده و از این‌رو هم تاریخ از سوی برودل «علم انسان‌ها» نامیده شد. است: علم انسان‌ها در زمان (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۶۷). نکته‌ای که دقیقاً در تحلیل ما از مبارزه زنان در انقلاب اسلامی مورد توجه است، تا عناصر انسانی و فرهنگی انقلابی زنان ایلامی برجسته و مورد تأکید قرار گیرد.

## ۲- انقلاب اسلامی به مثابه انقلاب فرهنگی

مکتب تاریخ‌نگاری آنال به عنوان چارچوب روشی و نظری پژوهش، نه تنها بر تاریخ اجتماعی تأکید می‌نماید بلکه نگاه جامع، کل‌گرا و بین‌رشته‌ای به موضوعات دارد. در این زمینه در مقاله حاضر وضعیت اعتراضات مردمی در ایلام با حضور زنان، اشکال مختلف عمل سیاسی زنان در دوره قبل و دوره انقلاب، شرایط امتناع و امکان کنش انقلابی زنان، اشکال مقاومت روزمره زنان در کنار خاستگاه‌ها و آب‌سخورهای نظری آن در دوره انقلاب برجسته می‌شود. از این رو در اینجا تحلیل ما از مبارزات زنان ایلامی با توجه به ظرفیت‌های نظری نظریه‌های فرهنگی انقلاب صورت می‌پذیرد.

پیش فرض اساسی رهیافت‌های فرهنگی، آن است که اوضاع روحی و نفسانی و به عبارت دیگر، باور انسان، سرمنشأ تحول فردی و سپس اجتماعی است. بر این اساس، انسان و باورها و خواسته‌های او، بنیاد همه تحولات است و ساختارهای اجتماعی، عوامل اقتصادی و نظام‌های سیاسی، تنها هنگامی موجب تغییر و تحول هستند که بتوانند در اوضاع روحی و نفسانی افراد و در باورهای آن‌ها تغییر ایجاد کنند. الگوی فرهنگی در تحلیل انقلاب اسلامی ایران، به دنبال عملی می‌گردد که در دهه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، موجد تحولی اساسی در اوضاع روحی و باورهای اساسی مردم ایران شد. فصل مشترک رهیافت‌های فرهنگی آن است که اسلام و مکتب تشیع را عامل اصلی وقوع انقلاب اسلامی می‌دانند و اینکه تلاش‌های فکری اندیشمندان مسلمان، به‌ویژه روحانیت شیعه و برخی از روشنفکران دینی، برای ارائه چهره واقعی اسلام از یک سو و پذیرش اسلام اصیل و راستین از جانب مردم ایران و اوج‌گیری ایمان اسلامی از سوی دیگر، عامل اصلی شکل‌گیری تحول انقلابی در ایران بوده است. رهیافت فرهنگی در میان نویسندگان و تحلیل‌گران داخلی رویکرد غالب محسوب می‌شود. البته رویکرد مزبور، در میان نویسندگان خارجی و غیرمسلمان نیز طرفدارانی دارد و رهیافتی رایج و معتبر به حساب می‌آید. نویسندگان غیرمسلمان متعددی این الگو را برای تحلیل انقلاب اسلامی اتخاذ کرده‌اند (ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۴: ۷۴-۸۷).

تحولی که انقلاب اسلامی ایران در عرصه نظریه‌های انقلاب ایجاد کرده است، تحت عنوان کلی «برجستگی و اهمیت عناصری چون فرهنگ، دین، ایدئولوژی و رهبری» توضیح داده شده است. انقلاب اسلامی موجب شد که مقوله فرهنگ و به‌ویژه «فرهنگ مذهبی» که تا پیش از این در نظریه‌پردازی‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و یک عنصر حاشیه‌ای محسوب می‌شد، به طور فعال در عرصه نظریه‌پردازی‌های انقلاب وارد شود. به همین دلیل است که بسیاری از رهیافت‌های غیر فرهنگی که بیشتر نظریات انقلاب را تا زمان وقوع این رخداد شامل می‌شود، در تبیین و تفسیر جامعه انقلاب اسلامی ایران موفق نبوده است. در واقع همین ناتوانی هم موجب گردید که عنصر فرهنگ در این حوزه اهمیت ویژه‌ای بیابد. رهبران انقلاب ایران بر نقش عناصر فرهنگی به‌ویژه فرهنگ مذهبی، در پدید آمدن انقلاب اسلامی تأکید اساسی داشته‌اند. به عنوان مثال: حضرت امام خمینی

(ره)، شهید مطهری و شهید بهشتی از اولین کسانی هستند که بر نقش عوامل فرهنگی بر پیروزی انقلاب تأکید کرده‌اند. در میان تحلیل‌گران غربی نیز حامد الگار، جان فوران، میشل فوکو، نیز جزء کسانی هستند که در باب این مقوله، یعنی نقش فاکتورهای فرهنگی و مذهبی در انقلاب ایران مکتوبات شاخصی را به‌جای گذاشته‌اند. با توجه به این مسئله است که صاحب‌نظران رهیافت فرهنگی و برخی دیگر از تنوری پردازان عرصه مطالعات انقلابی برای تحلیل دقیق‌تر این واقعه به سراغ تاریخ شیعه، چگونگی تولد این مذهب، دوران زندگی حضرت علی علیه السلام و جایگاه عدالت در نگاه ایشان، واقعه کربلا و سبیل‌ها و پیامدهای آن در تاریخ اسلام، چگونگی زنده ماندن مراسم ماه محرم در خلال قرون گذشته و تأثیرات فرهنگی آن بر جامعه ایران، اصول اقتصادی شیعه نظیر امامت، مسئله غیبت، نقش و جایگاه روحانیت در تاریخ تشیع و ایران و ... رفته‌اند. شکل و ساختار وقوع انقلاب اسلامی ایران به گونه‌ای است که تحلیل‌گران ناخودآگاه برای بررسی آن مجبورند به سراغ فرهنگ جامعه ایران، خصوصاً فرهنگ مذهبی که نقش عمده‌ای در شکل‌گیری دارد بروند (ر.ک: فیاض، ۱۳۹۵).

در سپهر الگوی فرهنگی از انقلاب اسلامی می‌توان مبارزه زنان ایلامی را نیز به استدلال گذاشت، رنگ فرهنگی و مذهبی کوشش‌های زنان ایلامی از جمله حضور در اماکن مذهبی مانند مساجد و تکایا، الهام گرفتن و تأثیر پذیری از شخصیت‌های برجسته فرهنگی مذهبی و نگاه به رهبر مذهبی انقلاب امام خمینی (ره) است که در ادامه مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۳- فعالیت‌های انقلابی زنان استان ایلام

زنان مسلمان و انقلابی ایلام با آغاز نهضت امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۱ و به‌ویژه در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شروع شد و مبارزاتشان تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت و برای تداوم و استمرار آن همچنان در صحنه هستند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های زنان ایلامی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، حمل و جابه‌جا کردن و پخش اعلامیه‌های امام خمینی (ره) در سطح شهر ایلام و رساندن آن‌ها به دست انقلابیون بوده است. یکی از زنان انقلابی ایلام در این مورد چنین می‌گوید: «پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ه.ش، مراسم بزرگداشت ایشان را در منزل پدری‌ام برگزار کردیم. واعظ این مراسم حجت الاسلام عباسعلی سلطانی از روحانیان مقیم ایلام بود. پس از آن ما متن پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی (ره) را به سایر انقلابیون رساندیم. در این فعالیت سیاسی، تعداد دیگری از زنان ایلامی با ما همکاری می‌کردند» (شنبه زاده، ۱۳۹۰: مصاحبه). به دلیل مسائل قومی و قبیله‌ای و جو حاکم بر ایلام، زنان الگو انقلابی کمتر تحت تعقیب مأموران رژیم پهلوی بودند، بنابراین با استفاده از این ظرفیت، آنان به‌خوبی

توانستند اعلامیه‌ها و متن سخنرانی‌های ضبط‌شده‌ی امام (ره) را به دست سایر انقلابیون برسانند. فعالیت انقلابی زنان ایلامی در سال ۱۳۵۷ نمود بیشتری پیدا کرد.

در جریان تظاهرات سه‌میلیون‌نفری سراسر کشور که روز دوشنبه ۱۳ شهریورماه ۱۳۵۷ ه.ش پس از اقامه‌ی نماز عید فطر انجام گرفت، زنان و مردان شهر ایلام ساعت ۹ صبح همان روز که در حدود پنج هزار نفر بودند، پس از مراسم نماز عید فطر، از مسجد جامع خارج شده و در خیابان‌های اطراف مسجد دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. تظاهرکنندگان ابتدا شیشه‌های ساختمان دادگستری در خیابان «واسطی» چهارراه برق را شکستند، سپس، به سوی خیابان «خیام» حرکت کرده و شیشه‌های خانه‌ی فرهنگیان و بانک ملی را خرد کردند. مأموران انتظامی برای پراکنده کردن تظاهرکنندگان شروع به تیراندازی کردند و زد و خورد شدیدی بین تظاهرکنندگان و مأموران در گرفت که در نتیجه‌ی آن سه نفر از تظاهرکنندگان شهید و دو نفر از مأموران پلیس توسط انقلابیون کشته و سه نفر هم مجروح شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۴/۶/۱۳۵۷: ۳۳). این اولین تظاهرات خونینی بود که در ایلام برگزار شد؛ زیرا در چندین تظاهرات قبلی کسی کشته نشد. در بیشتر شهرهای ایران در همین روز تظاهرات آرام برگزار شد. بر اساس گزارش روزنامه اطلاعات بالاترین میزان کشته‌ها در تظاهرات روز عید فطر سال ۱۳۵۷ ه.ش در میان شهرستان‌های سراسر کشور، پس از تهران مربوط به کشته‌های ایلام بود. زنان ایلامی در این تظاهرات، حضور گسترده‌ای داشتند. در این تظاهرات، زنان ایلامی علاوه بر تظاهرات علیه رژیم پهلوی با باز کردن درهای منازل خود برای انقلابیون و پناه دادن به آن‌ها، باعث نجات جان آنان در جریان تیراندازی مأموران به سوی تظاهرکنندگان گردیدند. در این تظاهرات بیشتر زنان انقلابی در منازل مسکونی خیابان عبداللهی پناه گرفتند تا به وسیله‌ی مأموران رژیم پهلوی مورد اصابت گلوله قرار نگیرند.

برخی از زنان تظاهرکننده‌ی ایلامی در جریان تظاهرات، از سوی شهربانی ایلام، احضار شدند یا تحت تعقیب قرار گرفتند، به طوری که برخی از آن‌ها به کرمانشاه متواری شدند و مدتی در منزل اقوام خود اقامت نمودند. از جمله‌ی زنان انقلابی ایلامی می‌توان به فرح پاشاپوریان اشاره کرد که مدتی تحت تعقیب قرار گرفت و به مدت سه ماه متواری شد. او پس از بازگشت به ایلام از سوی شهربانی احضار و تهدید به تراشیدن موی سرش کردند و به او گوشزد کردند که در صورت ادامه‌ی مبارزه به زندان خرم‌آباد منتقل می‌گردد (اکبری، ۱۳۹۰: ۱۸). پاشاپوریان درباره‌ی فعالیت‌های انقلابی خود می‌گوید: «از اواخر خرداد سال ۱۳۵۶ ه.ش با مسائل و اهداف انقلابی امام آشنا شدم و با همراهی چند نفر دیگر از دختران انقلابی همچون معصومه آزاد، زهرا رازی، لیلی غفوریان و نشمیه شفیع‌ی اقدام به پخش اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی امام در محله‌ی خیام و اطراف مسجد جامع ایلام کردم. اسامی زنان انقلابی ایلامی را در فهرستی داشتیم و این فهرست در دست خانم غفوریان بود. یک شب که در مسجد جامع ایلام تجمع داشتیم، مورد حمله‌ی مأموران قرار گرفتیم و فهرست انقلابیون در مسجد افتاد و چون فرار کردیم آن لیست به دست



مأموران شهربانی افتاد. پس از آن، من تحت تعقیب قرار گرفتم و به شهربانی احضار و مرا برای عدم ادامه‌ی فعالیت تحت فشار قرار دادند؛ اما من منکر فعالیت‌های خود گردیدم و از دادن تعهد خودداری کردم و همچنان به فعالیت‌های خود ادامه دادم» (پاشاپوریان، ۱۳۹۰: مصاحبه).

در پی تظاهرات مردم ایلام در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۹ ه.ش، بر اساس گزارش اداره‌ی ساواک ایلام، در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳۵۷/۷/۱۰ ه.ش یک گروهان ضد اغتشاش وابسته به تیپ زرهی شاه‌آباد غرب (اسلام‌آباد کنونی) به سرپرستی سروان محمدحسین منصوره‌ی به ایلام وارد شدند و در محل شیر و خورشید سرخ ایلام مستقر گردیدند. این واحد با درخواست شورای تأمین استان به ایلام اعزام شده بود. این گزارش در روز ۱۳۵۹/۷/۱۱ با امضای دنیایی به مقامات بالاتر گزارش شده بود (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۲/۳۰۶). اعزام گروهان ضد شورش از اسلام‌آباد به ایلام به منظور مقابله با تظاهراتی بود که قرار بود در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۰ ه.ش در ادامه‌ی تظاهرات روز قبل انجام بگیرد.

با آن که گروهان ضد شورش از اسلام‌آباد به ایلام اعزام شده بود تا از ادامه‌ی تظاهرات در ایلام جلوگیری کنند؛ اما بعد از ظهر همان روز از سوی زنان و مردان ایلامی تظاهراتی به راه افتاد که گزارش آن چنین است: «بعد از ظهر امروز (۱۳۵۷/۷/۱۰ ه.ش) عده‌ای در خیابان خیام ایلام به راه افتادند و دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان در حالی که شعار می‌دادند با آتش زدن لاستیک و هیزم راه را بستند. سپس در خیابان به راه افتادند و شیشه‌های اداره‌ی فرهنگ و هنر، شعبه‌ی بانک ملی، اداره‌ی دامپزشکی و کشاورزی و دفاع غیرنظامی را شکستند و فروشگاه تعاونی کارکنان دولت را آتش زدند» (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۲/۳۰۶). مردم انقلابی ایلام بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای به مبارزات ضد دولتی خود ادامه دادند و نیروی بازدارنده و سرکوب‌کننده‌ی رژیم حاکم را به‌زبان آوردند؛ چراکه به گواهی اسناد موجود در رابطه با تظاهرات زنان و مردان ایلامی، بی‌درنگ روز ۱۱ مهرماه همان سال، تظاهرات باشکوهی در ایلام ترتیب داده شد که از همه مهم‌تر نقش زنان ایلامی و به‌ویژه دانش‌آموزان و فرهنگیان ایلامی در آن به‌خوبی مشاهده می‌شود و عملاً نیروهای سرکوب‌کننده‌ی گروهان ضد اغتشاش شاه‌آباد (اسلام‌آباد) را غافلگیر و ناتوان کردند.

#### ۴- برپایی تظاهرات در ایلام توسط زنان

در ادامه‌ی مخالفت‌های مردم ایلام علیه رژیم پهلوی، ساعت ۴:۳۰ دقیقه بعد از ظهر روز ۱۳۵۷/۷/۱۱ ه.ش گروهی از زنان و دانش‌آموزان دختر مدارس ایلام با پوشیدن چادر و رعایت حجاب اسلامی در شهر ایلام، دست به تظاهرات زدند. روزنامه‌ی اطلاعات در گزارش خبری خود چنین نوشته است: «گروهی از بانوان و دختران دانش‌آموز شهر ایلام که همگی چادر بر سر داشتند و روبند بسته بودند، در مسیر

خیابان‌های برق، سعدی و خیام دست به یک تظاهرات پر دامنه زدند و به راهپیمایی پرداختند. تظاهرات کنندگان ضمن دادن شعارهای ضد دولتی، مردم را به پشتیبانی و پیوستن به تظاهرات دعوت می‌کردند، تظاهرکنندگان پس از ساعتی متفرق شدند و برخوردی بین آنان و مأموران انتظامی روی نداد. در پی این تظاهرات افراد پلیس و ارتش در خیابان خیام این شهر که کانون اجتماعات و تظاهرات ایلام است استقرار یافتند و کنترل این خیابان را به دست گرفتند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۱۶: ۲۱). این تظاهرات خیابانی را می‌توان اولین تظاهرات زنان انقلابی و اسلامی ایلامی علیه رژیم پهلوی به صورت گسترده و منسجم دانست. هم‌چنین، از ویژگی‌های این تظاهرات، می‌توان به رعایت حجاب اسلامی و پوشیدن چادر از سوی تظاهرات کنندگان اشاره کرد. این تظاهرات عملاً به اقتدار نیروهای ضد شورش پایان داد و ناتوانی آنان را در کنترل شهر به اثبات رساند. از دیگر ویژگی‌های این تظاهرات آن بود که راه را برای حرکت‌های ضد دولتی در روزهای دیگر فراهم کرد و مردم ایلام به مبارزات خود علیه رژیم پهلوی ادامه دادند. هم‌چنین، ادامه‌ی اعتصابات دانش‌آموزی و فرهنگیان از دیگر نتایج تظاهرات زنان ایلامی بود.

## ۵- اعتصاب دبیرستان‌های دخترانه ایلام

روز یکشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۵۷ ه.ش دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه‌ی پروین اعتصامی و هنرستان صنعتی ایلام دست به اعتصاب زدند و در کلاس‌های درس حاضر نشدند. در مورد اعتصابات دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه‌ی پروین ایلام چنین گزارش شده است: «در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۶ دانش‌آموزان دبیرستان پسرانه ایلام از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کردند. هم‌چنین، دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه‌ی پروین اعتصامی و هنرستان صنعتی ایلام در همین روز به سر کلاس درس نرفتند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۱۷: ۱۹). روزنامه‌ی رستاخیز در این باره نوشت: «دانش‌آموزان در محوطه دبیرستان‌های خود اجتماع کردند» (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۳/۶۴). پیوستن هرچه بیشتر دانش‌آموزان و فرهنگیان ایلام به صحنه‌ی اعتراضات و تظاهرات، موجب وحشت بیشتر مسئولان استان گردید، بنابراین؛ روز به روز تحصن و تظاهرات از سوی مردم و دانش‌آموزان و فرهنگیان در شهر ایلام بیشتر شد و با حضور این اقشار، مبارزه‌ی مردمی ایلام رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت و امید مردم برای کسب پیروزی و سرنگونی نظام حاکم پهلوی قوت بیشتری گرفت.

## ۶- تظاهرات مدرسه راهنمایی دخترانه ماندانا

بر اساس گزارش ساواک بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۵۷/۷/۱۷ ه.ش، تعداد ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان

مدرسه‌ی راهنمایی ماندانا شهر ایلام با یازده کلاس واقع در خیابان عبداله‌هی به‌عنوان اعتراض به حکومت پهلوی و همدردی با فرهنگیان کرمانشاه از حضور در کلاس‌های درس خودداری کردند و ساعت ۱۶ همان روز ۸۰ نفر از دانش‌آموزان مدرسه‌ی مذکور با الحاق تعداد ۲۰ نفر از جوانان انقلابی خیابان خیام به آنان، دست به تظاهرات زدند که با دخالت پلیس و با پرتاب گاز اشک‌آور آن‌ها را متفرق ساختند.

هم‌چنین، در بعدازظهر همین روز، دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه‌ی پروین اعتصامی شهر ایلام با ۲۴۵ نفر دانش‌آموز و ۹ کلاس دست به تحصن زدند و فقط کلاس چهارم علوم تجربی آن دبیرستان دایر بوده است. بر اساس این گزارش تا ساعت ۱۲ روز ۱۳۵۷/۷/۱۸ ه.ش، فقط یک کلاس از ۹ کلاس دبیرستان پروین اعتصامی دایر بوده است و بقیه‌ی کلاس‌ها در تحصن به سر بردند، اما روزنامه‌ی اطلاعات در خصوص تظاهرات مدرسه‌ی راهنمایی ماندانا روز ۱۳۵۷/۷/۱۷ چنین خبر داده است: «صبح و بعدازظهر دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی ماندانا که همگی چادر و روبند به سر و چهره داشتند، در خیابان خیام این شهر به راه افتادند و با دادن شعار در مسیر خیابان‌های خیام و عبداله‌هی راهپیمایی کردند. این تظاهرات تا ظهر ادامه داشت و بدون دخالت پلیس پایان گرفت؛ اما ساعت ۳ بعدازظهر در محوطه مدرسه راهنمایی تحصیلی ماندانا اجتماع کرده بودند؛ هنگام بیرون آمدن به خیابان، مأموران پلیس با پرتاب گاز اشک‌آور آن‌ها را متفرق کردند» (به نقل از انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۳/۱۳۳). آنچه در روزنامه‌ی اطلاعات درباره‌ی تظاهرات مدرسه‌ی ماندانا مهم است، اشاره به رعایت حجاب توسط دانش‌آموزان است و این تظاهرات تأثیر زیادی در ادامه‌ی اعتصابات و تظاهرات دانش‌آموزان و فرهنگیان ایلامی داشته است؛ زیرا در ادامه‌ی این اعتراضات، مدارس ایلام و مهران به مبارزات خود ادامه دادند و در اعتراض و مخالفت با رژیم پهلوی مدارس را تعطیل کردند.

ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ ه.ش از سوی مردم شهر ایلام تظاهرات گسترده‌ای در خیابان‌های ایلام برپا شد. در این تظاهرات بیش از ۲ هزار نفر درحالی که شعار می‌دادند در خیابان‌ها به راه افتادند و دست به تظاهرات زدند. در بین تظاهرکنندگان، تعدادی از زنان انقلابی ایلامی با چادر حضور داشتند. تظاهرکنندگان درحالی که شعارهایی چون: «زنده و جاوید باد خون شهیدان ما، ارتش برادر ماست و زنده‌باد حکومت اسلامی» سر می‌دادند، به راهپیمایی پرداختند و مأموران انتظامی از دور مراقب اوضاع بوده و بین مأموران و تظاهرکنندگان برخوردی گزارش نشده است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۲۵: ۲). این تظاهرات با دعوت آیت‌الله حیدری ایلامی و شیخ عباس سلطانی صورت گرفته و مردم با حضور پررنگ و گسترده‌ی خود در این تظاهرات، خشم و اعتراض خود را به رژیم شاهنشاهی پهلوی نشان دادند.

از نکات قابل توجه در این تظاهرات این است که برخوردی بین انقلابیون و نیروی انتظامی به وجود نیامده و برای اولین بار شعار برپایی حکومت اسلامی به‌صورت رسمی و علنی در یک تظاهرات

دو هزار نفری سر داده شده و مردم مأموران دولت را به وحدت و برادری فراخوانده‌اند که بدون شک در عدم درگیری بین انقلابیون و مأموران بسیار مؤثر بوده است. در این تظاهرات مردم خواستار الحاق نظامیان به صفوف انقلابیون بوده‌اند. گزارش ساواک ایلام در مورد تظاهرات مذکور بدین شرح است: «ساعت ۱۷ روز ۵۷/۷/۲۴ حدود پانصد نفر که اکثریت آنان جوانان بوده و تعدادی زن چادری در میان آن‌ها مشاهده می‌شد و شیخ عبدالرحمن حیدری و شیخ عباس سلطانی در جلوی آن‌ها قرار داشتند، از مسجد جامع حرکت و بعد تعداد آن‌ها به ۱۵۰۰ نفر افزایش و حدود یک کیلومتر و نیم در مسیر خیابان‌های سعدی، فردوسی، بلوار [بلوار امام خمینی کنونی] خیام راهپیمایی و در ساعت ۱۸:۱۵ به مسجد مراجعت و در ساعت ۱۹:۳۰ پس از سخنرانی شیخ حیدری متفرق گردیدند. خواسته‌های تظاهرکنندگان بازگشت [امام] خمینی به کشور، خروج سربازان ضد اغتشاش تیپ زرهی شاه‌آباد از خیابان‌ها، تعویض دولت و آزادی زندانیان سیاسی از جمله شیخ محمدتقی مروارید و شیخ جهانبخش [=محمد] تعمیرکاری گزارش شده است» (ایران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۲۸۴).

در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۴ ه.ش ساواک ایلام فهرست اسامی طرفداران امام خمینی شهر ایلام از جمله خانم ایران سروری فرزند سلیمان و دبیر دبیرستان‌های ایلام را به مرکز ساواک در تهران اعلام کرده است (ایران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۲۸۳-۲۸۱). ایران سروری نقش زیادی در برگزاری نشست‌ها و فعالیت‌های انقلابی در بین زنان ایلام و به‌ویژه بین دانش آموزان و فرهنگیان داشته است.

در ادامه‌ی اعتراضات دانش آموزی در ایلام علیه رژیم پهلوی، صبح روز شنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۵۷ ه.ش دانش آموزان دختر و پسر دانشسراهای مقدماتی ایلام در خیابان‌های این شهر به راه افتادند و دست به تظاهرات آرام زدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۳۰: ۲۲). از این به بعد اقشار مختلف جامعه اعم از کارکنان ادارات، دانش آموزان و فرهنگیان، بازاریان و برخی از نظامیان به صف انقلابیون اضافه شدند. در ادامه‌ی اعتراضات مردمی در ایلام و سایر شهرستان‌های این استان، مراکز آموزشی شهر ایلام در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱ ه.ش به دلیل اعتراض علیه دولت پهلوی تعطیل بوده است (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۴۴). این اعتصابات که از سوی معلمان و دانش آموزان طراحی و اجرا شد، روز به روز گسترش یافت و به سایر شهرستان‌ها هم سرایت کرد.

هم‌چنین، در ادامه‌ی اعتراضات دانش آموزان، در روز ۱۳۵۷/۸/۲ ه.ش همه‌ی مراکز آموزشی ایلام و مهران در تمامی مقاطع تحصیلی در مدارس دخترانه و پسرانه، در اعتراض به دولت پهلوی تعطیل بوده و دانش آموزان و معلمان در سر کلاس‌های درس حاضر نشده و به تحصن و اعتراض ادامه دادند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۱۰۵). در تعطیلی مدارس استان ایلام نقش معلمان زن و مرد بسیار مؤثر بوده است و دانش آموزان دختر و پسر، بیشتر با هدایت معلمان کلاس‌ها را تعطیل نمودند؛ زیرا با آگاهی دادن به دانش آموزان در زمینه‌ی مخالفت با رژیم رو به زوال پهلوی زمینه‌ی تعطیلی

کلاس‌ها را فراهم کردند. هم‌چنین در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۳ ه.ش در ادامه‌ی مبارزات مردم ایلام علیه رژیم پهلوی، تمامی مدارس ابتدایی و راهنمایی دخترانه و پسرانه‌ی سطح شهر ایلام تحصن کردند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۱۸۲) و در کلاس‌های درس حاضر نشدند.

## ۷- زنان انقلابی متحصن و درخواست‌های تظاهرات کننده ایلام

در ادامه مبارزات مردم و از جمله زنان انقلابی ایلام، فرهنگیان و دانش‌آموزان دخترانه و پسرانه‌ی شهرستان ایلام از روز دوشنبه اول آبان ماه ۱۳۵۷ ه.ش، دست به اعتصاب زدند و روز شنبه ۶ آبان قطعنامه‌ای به شرح زیر صادر کردند و شدیداً خواستار رسیدگی و به تحقیق رساندن کلیه موارد زیر شدند و اعلام کردند از تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱ ه.ش تا به دست آوردن خواسته‌های خود به اعتصاب ادامه می‌دهند. خواسته‌های متحصنان بدین شرح بود:

۱. آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازگشت بدون قید و شرط تبعیدشدگان مخصوصاً حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی؛ ۲. لغو کامل حکومت نظامی در سراسر کشور؛ ۳. برکناری استاندار و رئیس شهربانی و رئیس کلانتری ایلام؛ ۴. لغو کمیسیون امنیت اجتماعی در سراسر کشور؛ ۵. رسیدگی به کلیه امور مالی آموزش و پرورش در زمان مدیر کلی آقای نبوی نژاد؛ ۶. حسابرسی تغذیه استان ایلام در زمان آقای نبوی نژاد [تغذیه‌ای که آموزش و پرورش در بین دانش‌آموزان توزیع می‌کردند، مورد سوء استفاده‌ی عده‌ای قرار گرفته بود]؛ ۷. برکناری افراد فاسد و بدنام از کادر آموزش و پرورش استان [ایلام]؛ ۸. انحلال اردوهای عمران ملی و حذف برنامه تغذیه مدارس و صرف بودجه آن جهت احداث و بازسازی مدارس کشور؛ ۹. تعقیب و مجازات عاملان فاجعه عید فطر ایلام و سایر شهرهای ایران؛ ۱۰. انحلال حفاظت از ادارات آموزش و پرورش؛ ۱۱. خودداری از شرکت دادن معلمان و دانش‌آموزان در میتینگ‌های فرمایشی؛ ۱۲. اعاده حیثیت و آزادی عمل معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویانی که در شهرهای مختلف توسط نیروهای امنیتی مورد اهانت و ضرب و شکنجه و بازداشت قرار گرفته‌اند؛ ۱۳. رفع هر نوع مزاحمت نسبت به معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان از طرف مقامات انتظامی و مأمورین مخفی آن‌ها در مدارس؛ ۱۴. اخراج مستشاران و کارشناسان خارجی مخصوصاً مستشاران آمریکایی و اسرائیلی و جانشین نمودن کارشناسان ایرانی به جای آن‌ها؛ ۱۵. انتخاب رؤسای ادارات و مدیران مدارس با رأی کارکنان؛ ۱۶. توجه و رسیدگی به خواسته‌های دانش‌آموزان؛ ۱۷. آزادی بیان و قلم و تظاهرات و عدم دخالت مأمورین در تظاهرات معلمان و دانش‌آموزان؛ ۱۸. انحلال کمیته‌ی پیکار با بی‌سوادی و واگذاری آن به آموزش و پرورش به دلیل ارائه‌ی آمارهای دروغین؛ ۱۹. تجدید محاکمه محکومین سیاسی؛ ۲۰. ابراز انزجار و تنفر به رفتار غیرانسانی حکومت‌های عراق و کویت. [به دلیل اجبار امام خمینی (ره) به ترک آن دو کشور و رفتن ایشان به پاریس]؛ ۲۱. پیاده کردن



سیستم واحدی در دوره‌ی متوسطه؛ ۲۲. تمام وقت شدن کلیه‌ی معلمان [استخدام آنان]؛ ۲۳. از بین بردن ردیف حقوقی که سدی برای نقل و انتقالات معلمان است. فرهنگیان و دانش آموزان شهرستان ایلام» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۸/۶: ۲). این بیانیه که از سوی فرهنگیان و دانش آموزان مدارس دخترانه و پسرانه ایلام صادر شد در سطح استان ایلام همچون توپ به صدا درآمد و بی‌درنگ روحانیان، دانشجویان و تمام اقشار انقلابی جامعه‌ی ایلام به حمایت از آنان پرداختند و در ادامه‌ی مبارزات خود دست به چندین تظاهرات گسترده زدند.

به دنبال اعلامیه‌ی روحانیان (آیت‌الله حیدری، آیت‌الله مروارید و حجت‌الاسلام عباسعلی سلطانی) و اصناف شهر ایلام مبنی بر تعطیل عمومی ایلام، روز شنبه ۶ آبان ۱۳۵۷ ه.ش، ساعت ۷ صبح همان روز کلیه‌ی مغازه‌های این شهر تعطیل شد و به مناسبت هفتمین روز درگذشت شهدای همدان و پشتیبانی از قطعنامه‌ی فرهنگیان این استان، عزای عمومی اعلام شد. در همین روز حدود ده هزار نفر از طبقات و اقشار مختلف اعم از زنان و مردان انقلابی در مسجد جامع ایلام و اطراف آن گرد هم آمدند تا اعتراض خود را به رژیم اعلام کنند (اکبری، ۱۳۹۱: ۴۰). ساعت ۱۱ صبح تظاهرات کنندگان که متشکل از زنان و مردان ایلامی بودند از مسجد جامع این شهر به منظور راهپیمایی آرام خارج شدند و وارد خیابان فردوسی شدند؛ ولی در انتهای خیابان زد و خورد شدیدی بین مأموران و تظاهرکنندگان رخ داد که در نتیجه، ۱۵ نفر از مردم تظاهرکننده و ۲ نفر از مأموران پلیس به شدت مجروح شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۸/۷: ۱۸). در روز ۱۳۵۷/۸/۷ ه.ش گروهی از نیروهای مذهبی و انقلابی ایلام اعم از زنان و مردان با همراهی ۸ تن از روحانیان شهر ایلام دست به تظاهرات خیابانی زدند. در پی این تظاهرات، مأموران انتظامی به منظور متفرق کردن تظاهرکنندگان، چند تیر هوایی شلیک کرده که در اثر کمانه کردن تیر، شش نفر از انقلابیون زخمی شدند که برای مداوا به بیمارستان اعزام شدند. این تظاهرات تا ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه‌ی همان روز ادامه داشت (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۳۵۹). خبرگزاری پارس نوشته است در حوادث تظاهرات روز ۶ و ۷ آبان ماه ۱۳۵۷ در ایلام ۱۹ نفر زخمی شده‌اند. هم‌چنین، در همین روز همه‌ی مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان‌های ایلام تعطیل و در تحصن به سر برده‌اند (به نقل از انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۳۵۹).

در ادامه‌ی مبارزات انقلابیون ایلام، تمامی مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان‌های استان ایلام در روز ۱۳۵۷/۸/۸ ه.ش در اعتصاب به سر برده و تعطیل بوده‌اند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۴۵۱). هم‌چنین، روز ۱۳۵۷/۸/۱۰ ه.ش دبستان‌ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی ایلام و مهران تعطیل و در اعتصاب بوده‌اند (اکبری، ۱۳۹۰: ۳۹). در همان روز از ساعت ۱۰:۰۸ دقیقه الی ۱۱:۳۰ دقیقه اجتماعی ۲۵۰۰ نفره از معلمان و محصلان و اهالی شهر مهران به راهپیمایی آرام در خیابان‌ها پرداختند. در همین روز حدود سه هزار نفر از زنان و مردان ایلامی، دست به تظاهرات زدند که در این تظاهرات برخوردی بین

انقلابیون و مأموران دولت گزارش نشده است (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۴/۵۵۲). پس از این اعتراض، حضور انقلابیون ایلامی برای مبارزه با رژیم پهلوی در خیابان‌ها بیشتر شد.

در ادامه‌ی تظاهرات و تحصن فرهنگیان و دانش‌آموزان مدارس استان ایلام علیه رژیم پهلوی، کلیه‌ی مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی شهرهای ایلام و مهران در تاریخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۵۷ ه.ش تعطیل بودند و در اعتصاب کامل به سر بردند. هم‌چنین، در روز ۱۱ آبان ۱۳۵۷ تظاهراتی آرام در مهران انجام گرفت. مردم مهران با شعارهای ضد دولتی، تظاهرات را در ساعت یازده و سی دقیقه به پایان بردند. در این تظاهرات بین انقلابیون و مأموران دولت درگیری و برخوردی روی نداده است. گزارش ساواک در خصوص تعطیلی مدارس و تظاهرات در مهران بدین شرح است: «روز ۵۷/۸/۱۱ دبستان‌ها و مدارس راهنمایی و دبیرستان شهر ایلام و مهران تعطیل، دبستان‌های شهر دهلران و دره شهر دایر است. ضمناً اجتماعی در حدود ۳۰۰۰ نفر از معلمان و محصلین و اهالی شهر مهران ضمن انجام راهپیمایی آرام شعارهای ضد میهنی دادند که در ساعت ۱۱:۳۰ پایان یافت» (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۵/۳۳).

روز ۱۳۵۷/۸/۱۲ ه.ش گروهی از زنان و مردان و دانش‌آموزان شهرستان ایلام درحالی که پیشاپیش آنان چند تن از روحانیان این شهر در حرکت بودند با در دست داشتن پلاکاردها و دادن شعار در خیابان‌های این شهر به راهپیمایی پرداختند و در مسجد جامع ایلام نماز جماعت برگزار کردند و در طول راه دو نفر از روحانیان برای آنان سخنرانی کردند و مردم با توزیع میوه و شیرینی و پاشیدن گلاب به سر آنها از تظاهرکنندگان استقبال کردند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۵/۷۷).

اداره‌ی ساواک از تحصن و اعتراض ده‌هزار نفری مردم ایلام و گردهمایی آموزگاران، دانش‌آموزان دختر و پسر و سایر اقشار ایلامی در زمینه‌ی پشتیبانی از خواسته‌های قضات دادگستری و فرهنگیان روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۷ ه.ش که مصادف با سالروز تبعید امام خمینی بود، گزارشی به شرح زیر داده است: از صبح روز ۵۷/۸/۱۳، آموزگاران - محصلین - کسبه و طبقات دیگر اهالی ایلام با گردهمایی در مقابل کاخ دادگستری ضمن پشتیبانی از خواسته‌های قضات دادگستری و فرهنگیان قطعنامه‌ای صادر نمودند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۵/۱۴۵) مطبوعات، شمار راهپیمایان روز ۱۳/۸/۱۳ را در ایلام ۳۰ هزار تن نوشته‌اند که در پیشاپیش آنان روحانیان شهر از جمله آیت‌الله حیدری ایلامی، حجت‌الاسلام عباس سلطانی و شیخ - محمد تقی مروارید حرکت کرده‌اند. تحصن زنان و مردان انقلابی در محل دادگستری از صبح آغاز شد و اعلام کردند اگر تا ۱۵ روز به خواسته‌هایشان عمل نشود بار دیگر متحصن خواهند شد (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۵/۱۴۵). در ادامه‌ی اعتراضات و تحصن و تظاهرات مردم ایلام و به‌ویژه

فرهنگیان، کارمندان آموزش و پرورش ایلام در یک اجتماع اعتراض آمیز، ایران سروری از مدیرکل آموزش و پرورش خواسته بود که به جمع انقلابیون بپیوندد (اکبری، ۱۳۹۰: ۴۳). گزارش اداره‌ی ساواک درباره‌ی اعتصاب فرهنگیان ایلام روز ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۷ ه.ش بدین شرح است: «روز ۵۷/۸/۱۴ کارمندان آموزش و پرورش در محل آموزش و پرورش اجتماع کردند که به دنبال آن کارکنان بهداشتی کل و دانشجویان دانشکده دام پروری رازی به جمع آنان پیوسته و پس از سخنرانی غلامی، فریدون منصوری جمشیدی مانند گذشته شروع به صحبت نموده و دم از آزادی زده و با فریادهای پی در پی در مورد افرادی که در حوادث گذشته از بین رفته‌اند، اشاره نموده و مستمعین را به تحریک واداشت. سپس، خانم ایران سروری از مدیرکل آموزش و پرورش دعوت نموده که در جلسه‌ی مزبور شرکت و همبستگی خود را اعلام نماید که موضوع فوق مورد قبول مدیرکل آموزش و پرورش واقع شده و در جلسه‌ی مزبور شرکت نموده و برای افراد حاضر در جلسه شروع به سخنرانی نموده و حاضرین در جلسه از مدیرکل مزبور خواسته‌اند که همبستگی خود را با آن‌ها اعلام نماید. مدیرکل مزبور اظهار داشته در لوای قانون اساسی در کنار آن‌ها خواهد بود و خانم سروری و دانشجویی و غلامی و جمشیدی مصرانه از یادشده خواسته‌اند که بگویند زنده‌باد خمینی، مشارالیه نیز جمله‌ی مزبور را به زبان آورده. یاد شدگان مجدداً از او می‌خواهند بگویند مرگ بر منصور، که مدیرکل فوق‌الذکر از به زبان آوردن کلمات فوق خودداری و به سخنرانی خود خاتمه داده است (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۱۹۵/۱۵-۱۹۴). گزارش مربوط به دانش آموزان چوب به دست که متهم به تهدید صاحبان مغازه برای تعطیلی مغازه‌ها شده‌اند صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا بر اساس اسناد و گزارش‌های ساواک، بازاریان ایلامی از پیشگامان انقلابیون بوده‌اند و لذا بازاریان به اجبار مغازه‌ها را نبسته‌اند، بلکه با رضایت خود و به منظور پیوستن به انقلابیون، مغازه‌ها را تعطیل کرده‌اند.

در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۵۷ ه.ش تمامی مدارس مقاطع تحصیلی شهر ایلام به دلیل اعتراض به رژیم پهلوی و برای براندازی این رژیم تحصن کردند. در همین روز مدارس ابتدایی شهرهای مهران، دهلران و دره‌شهر دایر بوده، ولی مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه در این شهرها تعطیل بوده است. متن گزارش اداره‌ی ساواک در این باره چنین است: «در روز ۵۷/۸/۲۱ دبستان‌ها و مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر ایلام تعطیل، دبستان‌ها و مدارس ابتدایی شهرستان‌های مهران و دهلران و دره‌شهر دایر، ولی مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های آن‌ها تعطیل است» (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۳۸/۱۶). روند اعتراضات انقلابیون از جمله زنان و دختران استان ایلام با تعطیلی مدارس از آبان ماه ۱۳۵۸ بیشتر شد.

## ۸- اولین زن شهید ایلامی

در جریان انقلاب اسلامی اولین زنی که در استان ایلام به شهادت رسید ربابه کمالی بود. وی در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۱ هـ.ش مصادف با روز عید غدیر مورد اصابت گلوله‌ی پلیس رژیم پهلوی قرار گرفت و زخمی شد و پس از بستری شدن در بیمارستان، در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۸ هـ.ش به شهادت رسید (آرشیو بنیاد شهید ایلام، ۱۳۹۰). ایشان در وعظ روحانیون ایلامی همچون آیت الله مروارید، آیت الله حیدری و به ویژه وعظ حجت الاسلام شیخ کافی که به ایلام تبعید شده بود حضور مستمر داشت. شهید کمالی در جریان همکاری با انقلابیون و تظاهر کنندگان که تحت تعقیب پلیس بودند درب منزلش را بر روی آن‌ها باز و از ورود پلیس به منزلش جلوگیری نمود و در این جریان به شهادت رسید.

## ۹- ادامه مبارزات زنان و مردان انقلابی ایلام تا سقوط رژیم پهلوی

روز ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۷ هـ.ش در ادامه‌ی اعتراض فرهنگیان و دانش آموزان، مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی شهرهای ایلام و مهران تعطیل بوده و مدارس ابتدایی شهرهای دره شهر و دهلران دایر بوده‌اند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۶/۸۵). از صبح روز ۱۳۵۷/۹/۴ هـ.ش تعدادی از مدارس شهر ایلام باز بوده‌اند و معلمان و دانش آموزان در کلاس‌ها حضور داشته‌اند؛ ولی از ساعت ۱۰ صبح روز مذکور با تشویق عده‌ای از معلمان و دبیران شهر ایلام، کلیه‌ی مدارس دخترانه و پسرانه‌ی این شهر تعطیل شده بود و دانش آموزان مدارس را ترک نموده بودند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۶/۱۹۶). هم‌چنین، در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۵ هـ.ش دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی شهر ایلام تعطیل بوده‌اند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۷/۲۸۶). در تاریخ ۱۴ آذرماه ۱۳۵۷ هـ.ش مردم شهر ایلام اعم از زنان و مردان، دورهم گرد آمدند و با تشکیل یک اجتماع چهار هزار نفری به تظاهرات ضد دولتی پرداختند و در جریان تظاهرات با پرتاب سنگ و نارنجک دستی و تیراندازی، ساختمان سازمان مسکن و شهرسازی شهر ایلام را به آتش کشیدند. این تظاهرات با دخالت و تیراندازی مأموران انتظامی به پایان رسید و تظاهر کنندگان متفرق و پلیس سه نفر از تظاهر کنندگان را دستگیر کرد (سعادت، ۱۳۸۳: ۲۰۸). در ادامه‌ی اعتراضات دانش آموزان و فرهنگیان استان ایلام علیه رژیم رو به زوال پهلوی در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۵۷ هـ.ش تمام مراکز آموزشی شهرستان‌های ایلام، دهلران و مهران تعطیل بوده‌اند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۹/۷۳). دانش آموزان دختر و پسر و فرهنگیان ایلام در این روز یاد و خاطره‌ی شهدای دانشجو ۱۶ آذر ۱۳۳۲ هـ.ش را گرامی داشتند (اکبری، ۱۳۹۰: ۵۴). در ادامه‌ی اعتصابات دانش آموزان و فرهنگیان استان ایلام در روز ۲۷ آذرماه ۱۳۵۷ کلیه‌ی دبستان‌ها و کودکستان‌های شهر ایلام و دهلران تعطیل گردید و مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان‌های شهر مهران کماکان تعطیل بوده‌اند.

همچنین مدارس راهنمایی و دبیرستان دخترانه و پسرانه‌ی ایلام و دهلران تعطیل شدند (انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۲۱/۱۵۶).

در سالگرد قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ ه.ش، که در قم در اعتراض به مقاله‌ی توهین آمیز رژیم پهلوی به امام خمینی (ره) صورت گرفت، مردم انقلابی شهر ایلام که تعداد زیادی از مردم سایر شهرهای استان به این شهر آمده بودند و به صف انقلابیون پیوستند، در روز سه‌شنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۵۷ ه.ش / ۹ ژانویه ۱۹۷۹ میلادی تظاهرات شصت هزار نفری ایلام با رهبری آیت‌الله حیدری و سایر روحانیون شهر شکل گرفت (اکبری، ۱۳۹۱: ۵۲). این تظاهرات به مدت شش ساعت ادامه یافت و در ساعت یک بعدازظهر درحالی‌که روحانیون شهر در پیشاپیش مردم حرکت می‌کردند، خیابان فردوسی، بلوار و میدان (امام خمینی) و همچنین خیابان‌های سعدی و شریعتی را پیمودند و وارد مسجد جامع شهر ایلام شدند (روزنامه اطلاعات، ۲۰/۱۰/۱۳۵۷: ۴) و به اقامه‌ی نماز پرداختند و روحانیان با ایراد سخنرانی مردم را به ادامه‌ی مبارزه تا پیروزی نهایی تشویق و ترغیب نمودند. این تظاهرات گسترده‌ترین تظاهرات مردم ایلام بود که با حضور شصت هزار نفر از زنان و مردان ایلامی شکل گرفت. حضور شصت هزار نفر مردم در این تظاهرات بیانگر افزایش شمار انقلابیون، عدم توانایی مأموران رژیم پهلوی در اداره‌ی شهر، فروریختن ترس مردم از مأموران انتظامی و اداره‌ی ساواک، ورود انقلابیون سایر شهرستان‌های ایلام به جمع انقلابیون ایلامی و امید بیشتر مردم به سقوط نظام شاهنشاهی است.

در ادامه مبارزات مردم ایلام در بعدازظهر روز جمعه ۲۲ دی ماه ۱۳۵۷ ه.ش / ۱۳ ژانویه ۱۹۷۹ م، جمعیتی بالغ بر سی هزار نفر از اقشار مختلف مردم شهرستان ایلام اعم از زنان و مردان انقلابی، با شعارهایی علیه دولت دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان پس از ۴ ساعت راهپیمایی در مسجد جامع این شهر اجتماع کردند. تظاهرکنندگان پس از چند ساعت با دخالت مأمورین پاسگاه ژاندارمری متفرق شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷: ۵). روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ به دعوت روحانیان ایلامی، سی هزار نفر از زنان و مردان ایلامی در شهر ایلام جمع شدند و دست به راهپیمایی زدند. تظاهرکنندگان علیه رژیم پهلوی و دولت بختیار شعار دادند (روزنامه اطلاعات، ۱۷/۱۱/۱۳۵۷: ۳) و در راستای صدور بیانیه‌ی تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۷ ه.ش خواستار براندازی و برکناری دولت بختیار شدند. روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۷ ه.ش هزاران نفر از مردم شهری، روستایی و عشایری ایلام که متشکل از زنان و مردان انقلابی بودند، ضمن راهپیمایی، پشتیبانی خود را از دولت موقت مهندس مهدی بازرگان اعلام کردند. در همین روز در سراسر ایران مردم به حمایت از دولت موقت دست به راهپیمایی زدند (روزنامه اطلاعات، ۱۸/۱۱/۱۳۵۷: ۳).

در همین روز مردم مهران هم به حمایت از امام خمینی (ره) و دولت مهندس بازرگان دست به راهپیمایی زدند (روزنامه اطلاعات، ۲۱/۱۱/۱۳۵۷: ۶). در این روزها در تمام شهرستان‌های استان ایلام به‌ویژه در مهران تظاهرات برپا شد. روزهای پنج‌شنبه و جمعه ۱۹ و ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ ه.ش زنان و مردان شهر ایلام همگام با سایر مردم سراسر کشور از دولت موقت که به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شده بود، حمایت کردند و دست



به راهپیمایی گسترده‌ای زدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۵: ۳). روز ۲۱ بهمن جوانان انقلابی ایلام ستاد فرماندهی ژاندارمری را به تصرف درآوردند و با به دست آوردن سلاح‌های این ستاد مسلح شدند. در همین روز مجسمه‌ی محمدرضا شاه در میدان ۶ بهمن (۲۲ بهمن فعلی) با همکاری کارکنان ژاندارمری که به مردم پیوسته بودند به پایین کشیده شد. همچنین ساختمان ساواک ایلام توسط جوانان انقلابی تصرف شد و زندانیان سیاسی را آزاد کردند. روز یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ه.ش هزاران نفر از جوانان مسلسل به دست ایلامی با حمایت گروه بی شماری از زنان و مردان، ساختمان استانداری ایلام را به تصرف درآوردند. هم‌چنین، پس از تصرف استانداری، مردم به سوی کلاتتری شهر حرکت کردند و خواستار ملحق شدن آنان به مردم شدند. پس از دو ساعت گفتگو بین مردم و مأموران کلاتتری، افسران عالی‌رتبه کلاتتری اعلام همبستگی با مردم کردند و با حضور در مسجد جامع ایلام، جوانان شهر را به آرامش دعوت کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۳: ۷). در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۳ ه.ش زنان و مردان مهران، طی تلگرافی به دفتر روزنامه‌ی اطلاعات حمایت خود را از امام خمینی (ره) و دولت موقت اعلام کردند. در این تلگراف اکثر مردم مهران و حومه، عشایر شوهان و ملکشاهی و کارمندان ادارات و دانش آموزان و فرهنگیان از بازگشت امام خمینی (ره) و تشکیل دولت موقت اظهار خوشحالی نمودند و حمایت خود را از جمهوری اسلامی اعلام کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۳: ۶). زنان مسلمان انقلابی ایلام همان‌طور که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی همگام با مردم سراسر کشور دست به مبارزه با رژیم پهلوی زدند، برای استقرار و استمرار جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن همانند زنان موفق و الگوی پیشرفت در صحنه‌های مختلف انقلاب حضور دارند و به آرمان‌های انقلاب ارج می‌نهند.

۱۰۷

«نخستین علم‌پژوهی مطالعات

الگوی پیشرفت

اسلامی ایران

مقتضی اکبری

مطالعه‌ای اسنادی پیرامون نقش زنان استان ایلام در فرایند انقلاب اسلامی ایران

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه گیری

در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر ایران، کنش سیاسی زنان جهت پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به نظام اجتماعی حاکم، موقعیت جغرافیایی، جمعیت شهر و همچنین نوع رابطه دولت و نیروهای سیاسی شهری با این اجتماعات متفاوت بوده است؛ شاید گفته شود که آن‌ها در امور غیرمعارفی نظیر انقلاب‌های ملی، نقش غیر موثری داشته‌اند و در اعتراضات پراکنده و محلی ظاهر شده‌اند و در امور معارفی نظیر انتخابات، مشارکت فعال داشته‌اند، اما در خصوص زنان ایلامی و بر اساس مطالعه جزئیات اقدامات آن‌ها طبق الگوی آنال و با توجه به آبخورها و اشکال عمل سیاسی زنان ایلام، شاید بتوان گفت که آن‌ها بیشتر به دنبال تغییر نظام سیاسی همگام با بقیه ایرانیان بوده‌اند و با پیشروی آرام و بازی با قواعد نظم مستقر، بر سیاست ملی و محلی نیز تأثیر داشته‌اند.

نمود این معنا با توجه به این مفردات آشکار شد که زنان مسلمان و الگوی انقلابی ایلام از همان آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ از طریق سخنرانی‌های روحانیان مبارز ایلامی با اهداف و انگیزه‌های مبارزاتی امام خمینی (ره) آشنا شده و با حضور در مجالس وعظ، مساجد و پخش اعلامیه‌ها به نهضت امام-خمینی (ره) پیوستند. فعالیت آنان پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی در ۱۳۵۶ روز به روز بیشتر شد. با آغاز سال ۱۳۵۷ و برگزاری یاد و خاطره‌ی شهدای پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، زنان ایلامی حضور گسترده‌تری در مبارزات پیدا کردند و پس از برگزاری عید فطر در روز سیزدهم شهریور ۱۳۵۷ حضور آنان رنگ تازه‌ای به خود گرفت. در پانزدهم مهرماه ۱۳۵۷، مدارس دخترانه‌ی ایلام علیه رژیم پهلوی در بیشتر روزهای هفته دست به تحصن زدند و آشکارا در خیابان‌ها با رعایت حجاب کامل اسلامی تظاهرات کرده و برای براندازی رژیم پهلوی شعار می‌دادند. حضور زنان مسلمان انقلابی ایلام در صحنه‌ی انقلاب تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۳۵۷/۱۱/۲۲ ادامه یافت و به تبعیت از پیام‌های انقلابی امام خمینی (ره) در تمامی صحنه‌های انقلاب حضور داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان استان ایلام در کنار سایر اقشار جامعه، نقش خود را در جهت حفظ آرمان‌های امام حفظ و در تداوم آن تلاش می‌کنند.

به‌طور کلی مقاله حاضر هم نشان داد که انقلاب اسلامی ایران با وصف فرهنگی مبنایی هویت‌خواهانه و استقلال‌طلبانه داشته و جنبه‌ی فرهنگی و ایدئولوژی بودن آن برجسته‌تر از سایر نگاه‌ها و تحلیل‌ها بوده است و زنان مسلمان انقلابی استان ایلام نیز علیرغم داشتن گرایش‌های سیاسی مختلف با همان رنگ فرهنگ و مذهب، در پیروزی انقلاب اسلامی سهم داشته‌اند.

## منابع

- استویانویچ، گرایان (۱۳۸۶)، روش تاریخ و پارادایم آنال. ترجمه نسترن جهانگرد، تهران: فضا.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۰)، حضور زنان استان ایلام در تحولات سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ایلام: جوهر حیات.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۱)، نقش روحانیت استان ایلام در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. ایلام: جوهر حیات.
- انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۴)، جلد ۱۶، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۴)، جلد ۱۷، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۴)، جلد ۱۹، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- انقلاب اسلامی ایران به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۴)، جلد ۲۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۲) جلد ۱۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۲)، جلد ۱۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۳)، جلد ۱۴، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۳)، جلد ۱۵، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- بهادری، علی (۱۳۹۲)، «آنالی‌ها می‌نویسند، نگاهی نقادانه به تاریخ‌نگاری مکتب آنال»، **مجله سوره**. اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۲، شماره یازدهم.
- بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۶)، مکتب آنال، جاهلیت فکر تاریخ‌نگاری شیراز: نوید شیراز.
- حسینی، میرهادی (۱۳۹۵)، درآمدی بر مکتب آنال، دی ماه ۱۳۹۵ پایگاه اطلاعاتی میرهادی حسینی، صص ۲ و ۳.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی ایران. چاپ دوم، تهران: روزنه.
- سعادت، پرویز (۱۳۸۳)، روزشمار انقلاب اسلامی. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی به کوشش واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی. تهران: سوره مهر.
- عیوضی، محمدرحیم و هراتی، محمدجواد (۱۳۹۰)، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. ویراست دوم، قم: نشر معارف.
- فولادوند، حامد، (۱۳۶۵)، منصوره اتحادیه و حامد فولادوند (گردآورندگان)، بیسنش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر. تهران: نشر تاریخ ایران.
- فیاض، ولی‌الله (۱۳۹۵)، رهیافت فرهنگی در بررسی انقلاب اسلامی. دی‌ماه.
- کریمی، بهزاد (۱۳۸۹)، «مکتب تاریخ‌نگاری آنال»، **مجله تاریخ و تمدن اسلامی** دوره ۶، بهار و تابستان.

- کشاورز، عباس (۱۳۷۶)، «نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب»، مجموعه مقالات اولین سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. ج ۱، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها. قم: دفتر نشر و پخش معارف.
- مظاهری، ابودر (۱۳۸۴)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظریه‌پردازی انقلاب»، مجله معرفت. شماره ۹۰، خرداد ۱۳۸۴.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۷۶)، سیری در نظریات انقلاب. چاپ دوم، تهران: قومس.
- یاران امام به روایت اسناد ساواک (۱۳۹۰)، عالم مبارز حجه الاسلام حاج شیخ محمد تعمیرکاری. جلد ۴۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

### مصاحبه

- آرشو بنیاد شهید ایلام و مصاحبه با اصغر فتح‌اللهی، کارشناس پژوهش و ارتباطات بنیاد شهید ایلام، ۱۳۹۰/۳/۲۵.
- مصاحبه با اکرم شنبه‌ای مسئول وقت بسیج دانشجویی خاوران استان ایلام، ۱۳۹۰/۳/۲۳.
- مصاحبه با فرح پاشاپوریان، کارشناس بنیاد شهید استان ایلام، ۱۳۹۰/۳/۳۰.

### روزنامه

- اطلاعات، ۱۳۵۷ شماره‌ی ۱۵۷۵۵.
- اطلاعات، ۱۳۵۷/۷/۱۶، شماره ۱۵۷۳۰.
- اطلاعات، چهارشنبه ۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۷۹.
- اطلاعات، دوشنبه ۱۷ مهرماه ۱۳۵۷، شماره‌ی ۱۵۷۳۱.
- اطلاعات، دوشنبه ۱۱/۲۳/۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۸۳.
- اطلاعات، دوشنبه ۱۱/۲۳/۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۸۳.
- اطلاعات، سه‌شنبه ۷/۲۵/۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۳۵.
- اطلاعات، سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۰۳.
- اطلاعات، سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۷۸.
- اطلاعات، شنبه ۱۱/۲۱/۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۸۱.
- اطلاعات، دوشنبه ۱۱/۲۳/۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۵۸.
- اطلاعات، شنبه ۸/۶/۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۴۴.
- اطلاعات، یکشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۵۷، شماره‌ی ۱۵۷۳۹.
- اطلاعات، یکشنبه ۸/۷/۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۴۵.

### سایت‌ها